

ناهیدن

(اقتراحی درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در شاهنامه)

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اورمیّه | سجّاد آیدنلو

| ۲۱۹ - ۲۳۰ |

تقدیم به پژوهندگان جوان و نکته یاب حوزه زبان شناسی تاریخی فارسی

۲۱۹

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

چکیده: در بیت «سر سرکشان اندرآمد به خواب/ ز تاسیدن بادپایان برآب» در بخش پادشاهی ضحاک در شاهنامه، در نسخه ها به جای «تاسیدن» متن دکتر خالقی مطلق، صورت های «تازیدن»، «بازیدن»، «نالیدن»، «ناهیدن»، «بایندن»، «یابیدن»، «هانیدن» و «تاریدن» آمده است. مصححان و محققان شاهنامه هم ضبط های «ناویدن»، «تازیدن»، «بازیدن»، «نادیدن»، «تاسیدن» و «شافیدن» را از نسخه ها یا با تصحیح قیاسی برگزیده و درست دانسته اند. بر اساس قواعد تصحیح متون، نگاشته «ناهیدن» در حدّ اقل دوازده دست نویس از سده های هشتم، نهم و دهم، نویسی دشوارتر و احتمالاً اصلی و درست استغ اماریشه و معنای دقیق این واژه بر نگارنده آشکار نیست و لازم است متخصصان زبان شناسی تاریخی و لغت فارسی در این باره روشنگری و راهنمایی کنند.

کلیدواژه ها: ناهیدن، لغت نادر، تصحیح، شاهنامه.

Nāhidan

(Hypothesis on an Obscure and Unfamiliar Word in the Shahnameh)

Sajjad Aydenlu

Abstract: In the verse "Sar-e sarkeshan andar amad be khab / ze tāsidan-e badpayan bar ab" from the section on the reign of Zahhak in the *Shahnameh*, various manuscript versions have different readings of the word "tāsidan" as presented in Dr. Khaleghi-Motlaq's text. These variations include "tāzidan", "bāzidan", "nālidan", "nāhidan", "bāyandan", "yābidan", "hānidan", and "tāridan". The editors and scholars of the *Shahnameh* have selected and deemed correct the readings "nāvidan", "tāzidan", "bāzidan", "nādidan", "tāsidan", and "shāfidan" based on manuscript evidence or conjectural emendations. According to the principles of text editing, the spelling "nāhidan", found in at least twelve manuscripts from the 8th, 9th, and 10th centuries AH, appears to be the more challenging and possibly the original and correct version. However, the exact root and meaning of this word remain unclear to the author, and further elucidation and guidance from experts in historical linguistics and Persian lexicography are necessary.

Keywords: Nāhidan, rare words, textual criticism, *Shahnameh*.

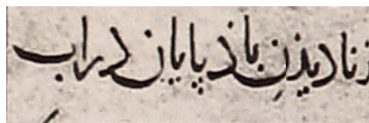
در شاهنامه در داستان رفتن فریدون به نبرد ضحاک، هنگامی که او و یارانش سوار بر اسبان خویش وارد رود دجله/اروند رود می‌شوند تا از آن بگذرند و به ایوان ضحاک به نام «بیت المقدس» یا «کنگ دز هوخت» برسند، این بیت در توصیف فریدون و همراهانش آمده است:

سر سرکشان اندرآمد به خواب ز تاسیدن بادپایان بر آب (۳۰۸/۴۱/۱)^۱

دگرسانی‌های ضبطِ واژه‌ای که در تصحیح دکتر خالقی مطلق «تاسیدن» آمده، چنین است:

تازیدن: نسخه‌های فلورانس (۶۱۴ ه.ق) (ص ۲۲ نسخه برگردان)؛ قاهره (۷۹۶) (ص ۱۱ پی - دی اف عکس نسخه)، بایسنقری (۸۲۹-۸۳۳) (ص ۳۸ چاپ عکسی)، لندن/ بریتانیا (۸۴۱) (ص ۴۹۷ تصویر)، پاریس (۸۴۴) (ص ۳۹ پی دی اف)، پاریس (۸۴۸) (ص ۳۵ پی دی اف)، ایاصوفیه (۸۴۶) (ص ۱۳ پی دی اف)، بادلیان (۸۵۲) (ص ۴۷ پی دی اف)، برلین (۸۹۴) (ص ۲۸ پی دی اف)، محمد عاصم بی (۸۹۹) (ص ۲۷ پی دی اف)، پاریس (۹۰۵) (ص ۴۰ پی دی اف)، پاریس (تاریخ مقدمه: ۹۵۰) (ص ۶۱ پی دی اف)، پاریس (۹۷۴) (ص ۸۸ پی دی اف)، سعدلو (ص ۲۵ نسخه برگردان) و چند نسخه دیگر.

بازیدن: لندن/ بریتانیا (۶۷۵) (برگ ۱۰ نسخه برگردان)؛ نادیدن: سن ژوزف (ص ۱۷ نسخه برگردان)، لیدن (۸۴۰) (ص ۲۴ پی دی اف)، حاشیه ظفرنامه (ج ۱، ص ۳۳)، لندن/ بریتانیا (۸۹۱) (ر.ک: فردوسی ۱۳۸۶ الف، ۱/۷۴/۱ زیرنویس ۱۴) و چند دست‌نویس دیگر.

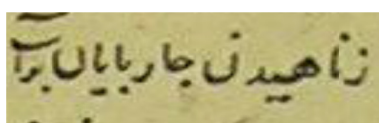


تصویر ضبط «نادیدن» در نسخه سن ژوزف

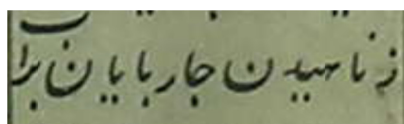
نالیدن: توپقاپوسرای (۷۳۱) (ص ۲۱ پی دی اف)؛ ناهیدن: لنینگراد (۷۳۳) (ص ۱۲ پی - دی اف)، حاشیه نسخه قاهره (۷۴۱) (ص ۲۳۱ تصویر)، توپقاپوسرای (۷۷۲) (ص ۷ تصویر)، کاما (احتمالاً سده هشتم) (ص ۵۹۳ تصویر)، دهلی (۸۳۱) (ص ۱۴ تصویر)، نورعثمانیه (۸۳۴) (ص ۱۷ پی دی اف)، بادلیان (۸۱۷-۸۳۸) (ص ۶۶ پی دی اف)،

۱. ارجاع به ویرایش دوم شاهنامه دکتر جلال خالقی مطلق (چاپ چهارجلدی انتشارات سخن) است.

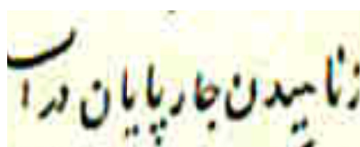
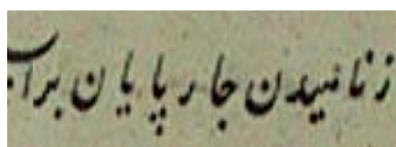
واتیکان (۸۴۸) (ص ۲۰ پی دی اف)، ایاصوفیه (۸۵۷) (ص ۱۶ پی دی اف)، ایاصوفیه (۸۶۱) (ص ۱۸ پی دی اف)، دانشگاه استانبول (۸۹۵) (ص ۲۷ پی دی اف)، مونیخ (۹۰۲) (ص ۳۴ پی دی اف) و چند نسخه متأخر دیگر.



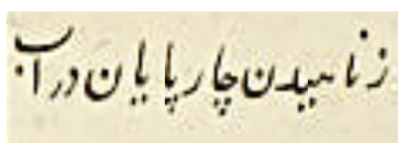
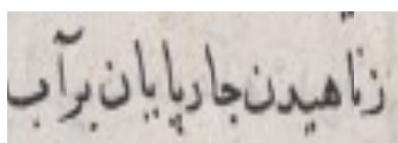
(تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه توپقاپوسرای، ۷۷۲ ه.ق.) (تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه لنینگراد، ۷۳۳ ه.ق.)



(تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه نورعثمانیه، ۸۳۴ ه.ق.) (تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه کاما)



(تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه ایاصوفیه، ۸۶۱ ه.ق.) (تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه ایاصوفیه، ۸۵۷ ه.ق.)



(تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه دانشگاه استانبول، ۸۹۵ ه.ق.) (تصویر ضبط «ناهیدن» در نسخه مونیخ، ۹۰۲ ه.ق.)

بایندن: سلیمانیه (۸۴۳) (ص ۲۳ پی دی اف)؛ یاییدن: ایاصوفیه (۸۶۹) (ص ۱۸ پی دی اف)، هانیدن: بادلیان (۸۹۹) (ص ۵۵ پی دی اف) و تاریدن: مجلس (بی تاریخ، شماره ۱۵۲۳۵) (ص ۳۲ پی دی اف). در نسخه پاریس (۱۰۱۲) (ص ۴۰ پی دی اف) هم

ضبط دو کلمه آغازین مصراع دوم تغییر یافته و به صورت مبهم «براهند ره چارپایان بر آب» نوشته شده است.

در چاپ‌ها و تصحیحات شاهنامه پنج نویسنده دیده می‌شود که یا از نسخه‌ها انتخاب شده و یا حاصل تصحیح قیاسی است: ناویدن: مکان (ج، ۱، ص ۳۹)، دکتر کزازی (نامه باستان، ۱/۶۰/۸۶۳)؛ تازیدن: مول (۱/۴۹/۳۳۹)، ووللرس/ فوللرس (۱/۴۲/۳۳۹)، بروخیم (۱/۵۴/۳۳۹)، کلاله خاور (۱/۴۴/۹۹۵)، مرحوم دکتر دبیرسیاقی (۱/۶۰/۳۴۷) و استاد جیحونی (۱/۶۰/۳۱۵)؛ بازیدن: ویرایش دوم چاپ مسکو (ص ۵۸، ب ۳۱۲)،^۱ استادان قریب-بهبودی (۱/۴۸/۳۰۸)؛ مرحوم استاد قریب (۱/۳۵/۳۰۸) و ویرایش نهایی چاپ مسکو (۱/۶۴/۳۲۰)؛ نادیدن: دکتر بهفر (۱/۳۲۸/۳۱۱)؛ تاسیدن: ویرایش اول (۱/۷۴/۳۰۴) و دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق.

به نظر دکتر رواقی ضبط درست واژه، «شافیدن» به معنای «سُر خوردن و لغزیدن» است و در مصراع اول هم به جای «به خواب» باید «ز خواب» باشد: «سر سرکشان اندرآمد ز خواب/ ز شافیدن بادپایان بر آب» (ر.ک: رواقی ۱۳۵، ص ۱۱۴؛ همو ۱۳۹۲، ص ۱۹۶). «شافیدن» مورد نظر دکتر رواقی که در جای دیگر شاهنامه به کار رفته است^۲ در اینجا در هیچ دست‌نویسی نیست و تصحیح قیاسی است و چنان‌که در ادامه خواهیم گفت با بودن ضبط دشوار در نسخه‌ها نیازی به انجام دادن تصحیح قیاسی در این بیت نیست. دیگر اینکه اغلب نسخ در مصراع نخست، «به خواب» دارند (سر سرکشان اندرآمد به خواب) نه «ز خواب» و همین درست است چون «خوابیدن بر پشت اسب و روی زین» کاری معمول و عادی نیست که فردوسی بخواهد بگوید از فلان گونه حرکت اسب‌ها در آب رود، سر جنگجویان از خواب برآمد (نخوابیدند و بیدار شدند) بلکه برعکس، آب پیمایی چهارپایان به گونه‌ای بوده است که سبب رفتاری غیرمعمول شده و آن «به خواب اندرآمدن سر سرکشان» در پشت زین بوده است.

استاد جیحونی معتقدند «تازیدن» صورت درست و وجوه دیگر مصحّف آن است و بیت می‌گوید: «از (نرم) تاختن اسبان بر آب، سواران چنان آسوده بودند که در خواب شدند»

۱. در ویرایش نخست چاپ مسکو بیت مورد بحث الحاقی تشخیص داده و به زیرنویس برده شده است.

۲. برآشفتم با خویشتن چون پلنگ ز شافیدن پای آمدش ننگ (۱/۴۹۷/۷۵۸)

(جیحونی ۱۳۸۰، ص ۴۱). «تازیدن» که نگاشته‌ی بیشترین نسخه‌ها نیز هست ساده‌ترین ضبط تغییر یافته لغت به کاررفته در این بیت است و بی‌تردید باید از متن انتقادی شاهنامه کنار گذاشته شود. دکتر خالقی مطلق که در هر دو ویرایش خویش، «تاسیدن» را با تصحیح قیاسی در متن آورده‌اند در توضیح آن نوشته‌اند: «به گمان نگارنده محتمل است که تاسیدن در لن ۲ [= نسخه انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، ۸۴۹ ه.ق.] گشته تاسیدن باشد به معنی «نفس زدن پیایی آدمی و جانور از گرما یا تلاش»... فرض اینکه متن ما درست باشد، می‌گوید: از (آهنگ یکنواخت) نفس زدن اسبان در آب، سر پهلوانان به خواب آمد» (خالقی مطلق ۱۳۹۱، بخش یکم، صص ۹۲ و ۹۳).^۱ «تاسیدن»^۲ در نسخه انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹) که مبنای تصحیح قیاسی «تاسیدن» قرار گرفته به نوشته خود دکتر خالقی مطلق، «ناهیدن» هم خوانده می‌شود (ر.ک: فردوسی ۱۳۸۶ الف ۷۴/۸ زیرنویس ۱۴) و نگارنده نیز در حدود بررسی‌های خویش این دو وجه «تاسیدن» و «تاسیدن» را در این بیت در نسخه‌های شاهنامه ندیده است. بنابراین «تاسیدن» نیز که معنای «ملالت، فرو ماندن و نفس نفس زدن از گرما و تشنگی» برای آن^۳ ظاهراً مناسب بیت مورد بحث است، باز تصحیح قیاسی است که گفتیم و دوباره اشاره خواهیم کرد که ضرورتی ندارد.

اولین بار ترنر مکان در چاپ خود کلمه «ناویدن» را در بیت مورد بررسی آورده و بعدها دکتر کزازی همان را در هر دو ویرایش خویش برگزیده و در توضیحش نوشته‌اند: «ناویدن واژه‌ای است کهن و ... و به معنی بنرمی و آرام جنبیدن و کژمژ شدن. ستاک این مصدر ناو است به معنی کشتی و پایه کاربرد آن در این معنی جنبش کشتی بر آب ... اسبان که

۱. نیز، ر.ک: خالقی مطلق ۱۳۸۶-۱۳۸۷، ص ۲۳۱؛ همو ۱۳۹۵، صص ۲۲ و ۲۳.
۲. درباره این لغت، ر.ک: مدبری، محمود؛ «به دنبال واژه‌های کهن در نسخه بدل‌های شاهنامه خالقی مطلق»، پاژ، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۴۵)، بهار ۱۴۰۱، ص ۲۳۴.
۳. درباره واژه «تاسیدن» و معانی و شواهد آن، ر.ک: بیهقی، ابوالفضل؛ تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران، سخن ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۶۹؛ حسن دوست، محمد؛ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۹۳، ج ۲، صص ۸۱۴-۸۱۶؛ رواقی، علی؛ ذیل فرهنگ‌های فارسی، با همکاری مریم میرشمسی، تهران، هرمس ۱۳۸۱، صص ۱۰۵ و ۴۳۰؛ همو؛ واژه‌های سغدی در متون کهن فارسی، صص ۱۱۱ و ۱۱۲؛ غزالی طوسی، امام محمد؛ کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۹۲ و ۱۰۹؛ منصوری، یدالله؛ فرهنگ ریشه‌شناختی افعال زبان فارسی، تهران، آوای خاور ۱۳۹۶، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

تا به زین در آب غرقه بودند، آنچنان نرم و آرام و بی هیچ گرانی و دشواری، رود را درنوشتند که دلاوران را، برنشسته بر زین، خواب در ربود» (کزازی ۱۳۹۴، ص ۳۷۸). «ناویدن» در هیچ یک از نسخ مهم شاهنامه نیست و احتمالاً مکان این تصحیح قیاسی را بر اساس ضبط «نادیدن» در بعضی دست نویس ها انجام داده است. «ناویدن» به معنای «به این سو و آن سو شدن، تلوتلو خوردن» با شاهی از غزلیات مولوی در لغت نامه دهخدا آمده (ر.ک: دهخدا ۱۳۷۷، ج ۱۴، ذیل «ناویدن») ^۱ و به ظاهر نویسی مناسب در این بیت است چنان که نگارنده پیشتر آن را «شایسته درنگ» دانسته (ر.ک: آیدنلو ۱۳۹۴، ص ۸۲) و در یکی از فرهنگ ها نیز بیت مورد بحث با همین وجه (ناویدن) و در معنای «خرامیدن، با ناز رفتن» ثبت شده است (ر.ک: شکوری و دیگران ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۰۸) اما این وجه هم مانند «شافیدن» و «تاسیدن» تصحیح قیاسی است و پشتوانه نسخه ای ندارد.

دکتر بهفر با ضبط «نادیدن» (ز نادیدن چهارپایان بر آب) بیت را چنین معنا کرده اند: «نگهبانان [اروندرو] از این که اسب های [فریدون و همراهانش] را در رود ندیدند فریب خوردند» (فردوسی ۱۳۹۱ الف، ص ۳۲۸). به نظر نگارنده، «نادیدن» نگاشته تغییر یافته و ساده شده است و بیت با این وجه معنایی مناسب موضوع داستان ندارد. شادروان دکتر خطیبی هم پس از نقل دو صورت «تاسیدن» از تصحیح دکتر خالقی مطلق و «نازیدن» از نسخه فلورانس، نوشته اند: «نگارنده برای تصحیح این بیت پیشنهادی ندارد و گمان می کند هر دو صورت می تواند درست باشد» (خطیبی ۱۳۹۲، ص ۱۹۵).

بر اساس قواعد تصحیح علمی - انتقادی متون، ضبط دشوار «ناهیدن» که مبتنی بر حدّ اقل دوازده نسخه کهن و معتبر از سده های هشتم، نهم و دهم است هرگز نباید نادیده گرفته و به سادگی کنار گذاشته شود و به احتمال بسیار نویسی درست و اصلی همین است. نگارنده در محدوده جستجوهای خویش شاهی برای کاربرد این واژه در فرهنگ ها و متون فارسی نیافته است و معنای دقیق آن را نمی داند. مرحوم دکتر جوینی آن را با قید «ظاهراً» برگرفته از اسم صوت دانسته اند که معلوم نیست منظورشان کدام اسم

۱. این مصدر به معنای «جنبیدن و به هر سو رفتن» درباره «پرنندگان» در تفسیر نسفی نیز گواه کاربرد دارد: «ا نمی بینند مرغان را... پرها باز کرده به پریدن و گاه گرد کنند پرها را در ناویدن» (نسفی ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۰۷۹). نیز، ر.ک: رواقی، علی؛ واژه های سغدی در متون کهن فارسی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۴۰۳، صص ۳۷۳ و ۳۷۴.

صوت بوده است (ر.ک: فردوسی ۱۳۷۵ الف، ص ۱۱۱).^۱ آنچه هم از فحوای کلی بیت برمی آید معنایی در حدود «نرم و آرام رفتن»، «بالا و پایین شدن» یا «نفس نفس زدن، خستگی و کندی» برای «ناهیدن» یا معنایی است که در انتساب به «چهارپایان» باعث «به خواب اندرآمدنِ سر» سواران بر پشت آن‌ها شود. اینکه در بیش از دوازده نسخه قدیم و جدید، این واژه نگه داشته شده است نشان می‌دهد که ظاهراً برخی کاتبان معنای دقیق یا کلی آن را در بافت بیت مورد بحث (سرِ سرکشان اندرآمد به خواب/ ز ناهیدنِ بادپایان بر آب) می‌دانستند یا در می‌یافتند.

در هر حال متخصصان زبان‌شناسی تاریخی و لغت‌پژوهان باید ریشه و معنای این لغتِ نادر و شاذ را بررسی و یافته‌ها یا احتمالات خود را عرضه بکنند و به صرف اینکه نگارنده و بعضی دیگر مانند او معنای دقیق آن را نمی‌دانند و فعلاً گواهی/گواهی‌های دیگری برای آن نیافته‌اند نمی‌توان از این ضبط دشوار مستند بر چند دست‌نویس مهم چشم پوشید و صورت کاملاً ساده‌شده «تازیدن» و «بازیدن» را انتخاب کرد یا دست به تصحیح قیاسی زد. «ناهیدن» در نسخه بادلیان (۸۹۹) به «هانیدن» تبدیل شده و احتمالاً صورت‌های «نادیدن» و «نالیدن» نیز در سایر دست‌نویس‌ها محرف ساده‌گردانیده همین «ناهیدن» است. جای شگفتی است که هیچ‌یک از مصححان شاهنامه به این واژه کهن و ناآشنا در چند نسخه مهم توجه نشان نداده و به سادگی از آن گذشته‌اند.

۱. آیا ایشان با تداعی کلمه عربی «تَنخُج» به معنای «صدای صاف کردنِ سینه»، «ناه» را اسم صوت انگاشته‌اند که با افزوده شدن نشانه مصدرساز «یدن» به آن، «ناهیدن» در معنای «صدای برآوردن از خستگی و درماندگی، نفس نفس زدن» ساخته شده است؟

منابع

- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۹۴). معرّفی و بررسی دو تصحیح تازه شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو و ویرایش دوم شاهنامه به اهتمام جلال خالقی مطلق)، آینه میراث، ضمیمه شماره ۴۰.
- جیحونی، مصطفی. (۱۳۸۰). «بررسی بیت‌هایی از شاهنامه فردوسی» (۴)، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۹، بهار، صص ۳۶-۴۷.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶-۱۳۸۷). «دست‌نویس نویافته از شاهنامه فردوسی» (محفوظ در «مکتبه الشریقه» وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت NC. 43)، نامه بهارستان، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳ و ۱۴، صص ۲۰۹-۲۷۸.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه، با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دکتر ابوالفضل خطیبی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۵). نقدی در ترازوی نقد، گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۵، پاییز.
- خطیبی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «آیا فریدون به یزدان ناسپاس شد؟»، مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه، به کوشش دکتر محمدجعفر یاحقی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۱۸۳-۲۰۰.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران.
- رواقی، علی. (۱۳۵۱). «نگرشی در فرهنگ‌های شاهنامه»، سیمغ، شماره ۱، اسفند ۱۳۵۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- رواقی، علی. (۱۳۹۲). «بار دیگر شاهنامه را چگونه باید خواند؟»، جهان کرد یکسر پر آواز خویش (مجموعه مقالات شاهنامه‌پژوهی)، به کوشش نغمه دادور، تهران، دریاچه نو، صص ۱۸۹-۲۰۴.
- سامانه دادگان (پیکره زبانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی) به نشانی: www.dadegan.apll.ir
- شکوری، محمدجان، ولادیمیر کاپرانوف، رحیم هاشم و ناصر جان معصومی. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی تاجیکی، برگردان از خط سیریلیک و تصحیحات: محسن شجاعی، تهران، فرهنگ معاصر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹). شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ ه.ق)، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی و دانشگاه تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add 21.103 مشهور به شاهنامه لندن)، نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران: طلایه.

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری، کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شماره NC.43)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران: طلايه.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه توپقاپوسرای، کتابت ۷۳۱ ه.ق.)، شماره H 1479
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لنینگراد، کتابت ۷۳۳ ه.ق.)، شماره Dorn 329
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت ۷۴۱ ه.ق.)، شماره ۶۰۰۶ س
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه توپقاپوسرای، کتابت ۷۷۲ ه.ق.)، شماره H. 1511
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت ۷۹۶ ه.ق.)، شماره ۱۶۶۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، ظاهراً کتابت سده هشتم)، شماره ۱۶۶۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹ الف). شاهنامه همراه با خمسه نظامی (نسخه سعدلو)، با مقدمه دکتر فتح الله مجتبیایی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دهلی، کتابت ۸۳۱ ه.ق.)، شماره 601
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۵۰). شاهنامه (چاپ عکسی نسخه بایسنقری، کتابت ۸۲۹-۸۳۳ ه.ق.)، تهران: شورای جشن های شاهنشاهی.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه نورعثمانیه، کتابت ۸۳۴ ه.ق.)، شماره FF ۸۴
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت ۸۱۷-۸۳۸ ه.ق.)، شماره Ms. Ouseley Add. 176
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لیدن، کتابت ۸۴۰ ه.ق.)، شماره Or. 494
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لندن/ بریتانیا، کتابت ۸۴۱ ه.ق.)، شماره Or. 1403
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه سلیمانیه، کتابت ۸۴۳ ه.ق.)، شماره F ۴۸۶
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۸۴۴ ه.ق.)، شماره Suppl. Pers. 494
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه کتابت ۸۴۶ ه.ق.)، شماره FF ۸۵
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۸۴۸ ه.ق.)، شماره Suppl. Pers. 494
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه واتیکان، کتابت ۸۴۸ ه.ق.)، شماره Vat. Persaino. 118
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت ۸۵۲ ه.ق.)، شماره Ms. Pers.c. 4
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۵۷ ه.ق.)، شماره F ۸۶۱
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۶۱ ه.ق.)، شماره F ۲۸۸
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۶۹ ه.ق.)، شماره FF ۸۶

- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه برلین، کتابت ۸۹۴ ه.ق.)، شماره Ms. Or. Fol. 4255.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشگاه استانبول، کتابت ۸۹۵ ه.ق.)، شماره F 1407.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت ۸۹۹ ه.ق.)، شماره Ms. Elliott. 325.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه محمد عاصم بی، کتابت ۸۹۹ ه.ق.)، شماره F ۹۲.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه مونیخ، کتابت ۹۰۲ ه.ق.)، شماره 934.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۹۰۵ ه.ق.)، شماره Persan 228.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، تاریخ مقدمه: ۹۵۰ ه.ق.)، شماره Suppl. Pers. 489.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۹۷۴ ه.ق.)، شماره Suppl. Pers. 2113.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۱۰۱۲ ه.ق.)، شماره Suppl. Pers. 490.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، بی تاریخ)، شماره ۱۵۲۳۵.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۸۲۹). شاهنامه، به کوشش ترنر مکان، کلکته.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۸۷۷). شاهنامه، به کوشش یوحنا ولرس، لیدن: بریل.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). شاهنامه، تصحیح ژول مول، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). شاهنامه، ویراسته مهدی قریب و محمد علی بهبودی، تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو)، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۷۱). شاهنامه (ویرایش دوم چاپ مسکو)، به کوشش رستم علی یف و محمد نوری عثمانوف، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ الف). شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس (۶۱۴ ه.ق.)، گزارش دکتر عزیزالله جوینی، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ ب). شاهنامه، به کوشش محمد رضانی، تهران: پدیده (کلالة خاور)، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹ ب). شاهنامه، تصحیح مصطفی جیحونی، اصفهان: شاهنامه پژوهی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ الف)، شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ب). شاهنامه (چاپ بروخیم)، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی، به اهتمام بهمن خلیفه، تهران: طلایه.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ج). شاهنامه، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران: قطره..

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ د). شاهنامه، ویرایش مهدی قریب، تهران: دوستان.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱ الف). شاهنامه، تصحیح و شرح دکتر مهري بهفر، تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، دفتر اول.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱ ب). شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو)، زیر نظر مهدی قریب، تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). شاهنامه، پیرایش دکتر جلال خالقی مطلق، تهران: سخن، دوره چهار جلدی، چاپ سوم.

کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۹۴). نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه)، تهران: سمت، ویراست دوم، چاپ دهم، ج ۱.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا Or.2833)، تهران و وین، مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.

نَسَفی، ابوحفص. (۱۳۷۶). تفسیر نَسَفی (ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجع)، به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، تهران، سروش.